

## *A Novel Approach to Reference to Medical Narrations*

Mohammad Shamsoddin Dayyani Tilaki<sup>1\*</sup>, Muhammad Imami<sup>2</sup>

- 1- MD of Department of Islamic Teachings, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
- 2- Assistant Professor, Department of Islamic Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran

**\*Corresponding Author:**

Mohammad Shamsoddin Dayyani Tilaki  
Department of Islamic Teachings,  
Mashhad University of Medical  
Sciences, Mashhad, Iran

**Email:**

DayyaniMSH@mums.ac.ir

**Received: 14 Jun 2016**

**Revised: 27 Feb 2016**

**Accepted: 15 Mar 2016**

### *Abstract*

The Infallible Imams (p.b.u.t) paid great attention to concepts such as health, sickness, and treatment with a realistic approach to human. The Islamic medicine narrations attributed to them have been subject to discussion and challenge for long. With the recent tendency of scientists in various fields of medical sciences towards traditional and Islamic medicine, at times they go to extremes concerning acceptability of Islamic medicine by experimental sciences, specifically medicine. Some believe that we should treat these kinds of traditions, as with jurisprudential ones, as divine statements that were made by the Infallibles whose knowledge was divinely granted, which cannot be erroneous. However, by having a deeper look, there appear to be serious challenges in the case of medical narrations and noting these problems prevents us from error in thought. The article at hand deals with some of the problems related to these narrations and how to solve them. This study with reference to original documents of religious narrations and other related sources tried to introduce the serious problems of these medical traditions and studied the problems that go back to the citation, whole concepts, addressee, and meanings of the terms. This study aimed to prove that medical traditions are like other Islamic narrations and infallible statements. They should be studied and evaluated in a specialistic way, with avoidance of prejudgments. To use a narration as a reason, one needs to be familiar with about fifteen fields of basic Islamic sciences, to reference to a medical narration. This reference would be useful only as evidence if it has all the necessary conditions.

**Keywords:** Narrations, Reference, Medical, Addressee, Citation

► **Citation:** Dayyani Tilaki MSh, Imami M. A Novel Approach to Reference to Medical Narrations. Religion and Health. Autumn & Winter 2015; 3(2):59-66 (Persian).

## رویکردی نو در استناد به احادیث پزشکی

محمد شمس‌الدین دیانی تیلکی<sup>۱\*</sup>، محمد امامی<sup>۲</sup>

## چکیده

امامان معصوم (ع)، با نگاه واقع‌گرایانه به انسان، به مفاهیم سلامتی، بیماری و درمان او توجه کامل داشته‌اند. روایات طب اسلامی به جای مانده از آنان، از دیرباز تا به امروزه از مباحث جدی و پرچالش بوده است. امروزه با گسترش گرایش دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم پزشکی به طب سنتی و اسلامی، افراط و تفریط‌هایی در زمینه‌ی هم‌نوایی علوم تجربی، به‌ویژه طب با روایات مشاهده می‌شود. گاهی این باور به وجود می‌آید که باید به روایات و احادیث طبی نیز همانند احادیث فقهی با ایمان و تعبد عمل کرد؛ زیرا این سخنان از زبان یک معصوم صادر شده است. معصوم یعنی کسی که از آشخور وحی، مستقیماً سیراب شده و به عمق حقیقت راه یافته و خطا و لغزش در گفتار و کردار او راه ندارد. با نگاهی عمیق و ژرف‌تر، چالش‌هایی در روایات پزشکی مشاهده می‌شود که دقت در آن، انسان را از خطا در اندیشه باز می‌دارد. در این پژوهش برخی از چالش‌های روایات طبی و افق‌های آینده در زمینه حل این چالش‌ها بررسی می‌گردد.

این پژوهش با مراجعه به برخی منابع حدیثی مرتبط با موضوع، در پی شناخت و بیان چالش‌های موجود در استناد به این دسته از روایات بوده و چالش‌های مربوط به سند، مخاطب، دلالت و معنای واژه‌های به کار رفته در این احادیث مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مراجعه به احادیث پزشکی همچون دیگر احادیث صادره از معصومین (ع)، کاری تخصصی بوده و در این زمینه ضمن پرهیز از هر نوع پیش‌داوری و اجتناب از تفسیر به رأی، نیازمند آگاهی تخصصی نزدیک به ۱۵ دانش از علوم پایه حوزی است، تا بتوان به روایتی استناد نمود. این استناد در صورت داشتن شرایط لازم، تنها به‌عنوان یک شاهد می‌تواند مفید واقع شود.

واژه‌های کلیدی: احادیث، استناد، پزشکی، خطاب، سند

۱- کارشناس ارشد، گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی، مشهد، ایران  
۲- استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

\* مؤلف مسئول: محمد شمس‌الدین دیانی تیلکی

گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، پردیس دانشگاه، دانشکده علوم پزشکی، میدان آزادی، مشهد، ایران

Email:  
DayaniMSH@mums.ac.ir

دریافت: ۲۴ دی ۱۳۹۴  
اصلاحات: ۸ اسفند ۱۳۹۴  
پذیرش: ۲۵ اسفند ۱۳۹۴

◀ استناد: دیانی تیلکی، محمد شمس‌الدین؛ امامی. رویکردی نو در استناد به احادیث پزشکی. دین و سلامت، پاییز و زمستان ۱۳۹۴؛ ۳(۲): ۶۶-۵۹ (فارسی).



## مقدمه

مراجعه به احادیث و روایات پزشکی از دیرباز در بین مسلمانان به‌ویژه شیعیان مرسوم بوده است. در سال‌های اخیر با گرایش روزافزون به طب سنتی و اسلامی این آمار رو به افزایش است. شاید نخستین کتابی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده، کتاب «رساله ذهبیه» یا طب‌الرضاء (ع) است که در آن سفارش‌های طبی حضرت امام رضا (ع) و در زمان حیات حضرت (حدود سال ۲۰۰ هجری قمری) گردآوری شده است (۱). پس از آن کتاب‌های «طب‌النبی»، «طب نبوی»، «طب‌الصادق» و در نهایت «موسوعة الأحادیث الطبیة» آیه‌الله محمدی ریشهری با عنوان فارسی «دانشنامه احادیث پزشکی» از جمله این مصادر احادیث و روایات پزشکی می‌باشد.

از آنجا که شیعیان به پیروی از دستورات ائمه (ع) تأکید و اهتمام ویژه دارند، معتقد هستند که علم امامان علیهم‌السلام در تمام زمینه‌ها، چه به‌طور مستقیم و چه به‌طور غیر مستقیم لدنی و خدادادی است؛ به این معنی که علم آنان به شریعت همانند علم آنان به مسائل پزشکی، فیزیکی، شیمی و دیگر علوم تجربی می‌باشد. این مقاله برای بررسی چالش‌های روایات طبی در مقام پاسخگویی به پرسش‌های ذیل است: میزان دقت در سند روایات طبی چه میزان بوده است؟ چند درصد از روایات طبی صحیح‌السند هستند؟ آیا مخاطب روایات طبی منحصر به فرد مراجعه‌کننده می‌باشد یا مانند فقه و براساس اشتراک در تکلیف، می‌توان احادیث طبی را هم تعمیم داد؟ آیا احادیث طبی جزو سنت محسوب می‌شوند و باید به‌صورت تعبدی پذیرفته شوند یا در امور تجربی تعبد راه ندارد و این‌ها در قلمرو دین و رسالت نمی‌گنجد؟ آیا روایات پزشکی مانند روایات فقهی، مقید به

مکان و زمان نیست؟ یا اینکه منحصر در مردم همان عصر با ویژگی‌های تغذیه‌ای و آب و هوایی خاص می‌باشد؟ آیا مواد غذایی نام برده شده در آیات و روایات مانند: زنجفیل، سیر، سرکه، برنج، خیار، و غیره همین موادی است که امروز ما آن را با همین نام می‌شناسیم؟! یا در تطور تاریخ معانی آن‌ها مانند سایر لغات تغییر کرده است.

## ۱- بیان مسأله

قبل از ورود در بحث، برای روشن شدن اهمیت موضوع یک نمونه واقعی مراجعه به حدیث طبی بررسی می‌شود: از پیامبر اعظم (ص) نقل شده است که فرمود: «مَنْ أَكَلَ لَحْمَ جَزُورٍ فَلَيْتَوَضَّأَ (۱)». ظاهر حدیث یعنی هر کس گوشت شتر خورده است، وضو بگیرد. پیامبر اکرم (ص) این سخن را روزی بعد از خوردن غذایی که از گوشت شتر تهیه شده بود و در هنگامی که با اصحاب خواستند نماز بخوانند فرمودند: برخی از علمای اهل سنت مانند فقهای حنبلی، از این روایت استفاده فقهی کرده‌اند و گفته‌اند که «خوردن گوشت شتر آگاهانه یا ناآگاهانه، نر یا ماده، بچه یا بزرگ و حتی خوردن امعا و دل شتر، موجب بطلان وضو می‌شود (۲)؛ ولی برخی از فقیهان اهل سنت، با توجه به شأن صدور، حدیث را برخاسته از شأن تبلیغی آن حضرت دانسته و آن را در بردارنده حکم فقهی ندانسته و گفته‌اند این سخن برخوردی اخلاقی برای حفظ آبروی برخی حاضران بوده است؛ یعنی یکی از اصحاب وضویش باطل شده بود و شرمش می‌آمد تا تجدید وضو کند، حضرت با درخواست برای گرفتن وضو از تمام کسانی که در آن مجلس غذا خورده بودند، خواستند فرد خاصی شرمنده نشود و یا بدون وضو نماز نخواند. برخی از فقیهان امامیه نیز گفته‌اند که



است که در روایات غیرحکمی به دلیل عدم نیاز به عمل تعبدی، به سند آنها توجه چندانی نمی‌شود مانند روایات اخلاقی که عقل بر آن گواه است و یا روایات پزشکی که می‌بایست تجربه آن را ثابت نماید.

در طول تاریخ، علمای شیعه در این دو دسته روایات به کتاب‌های غیرشیعه نیز مراجعه می‌کردند و درباره سند آن نیز کنکاش زیادی نمی‌نمودند. مانند روایت نبوی «مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ سَالْخُورِدْگَانِ اسْتِ وَ از منابِعِ غَيْرِشِيعَةِ (۵) گرفته شده؛ گر چه در کتب روایی اخلاقی شیعه (۶) نیز آمده و مورد تأیید عقل و فطرت است. بر همین اساس، روایت معروف «الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمُ الْأَدْيَانِ وَ عِلْمُ الْأَبْدَانِ» (۷) جعلی و ناصحیح است (۸)؛ اما بسیاری از علما بدون دقت در سند و حتی دلالت آن، به دلیل اینکه زبانی به کسی و جایی نمی‌رساند، این روایت را بی‌محابا به کار می‌بردند.

### ۳- دلالت احادیث

برای درک معنای صحیح هر یک از روایات که به آن «دلالت روایت» می‌گویند، نیاز به دانستن بیش از ۱۰ علم از علوم پایه حوزوی شامل: صرف، نحو، معانی، بیان، فقه اللغه و اشتقاق برای شناخت زبان صدور روایت، درایت الحدیث، رجال برای شناخت سند احادیث، فقه الحدیث، اصول فقه، منطق (و حتی فلسفه) برای شناخت دلالت، معنی و مفهوم حدیث، علم تاریخ و سیره، علم ملل و نحل برای شناخت فضای نزول و شأن نزول حدیث، علم قرآن و تفسیر، علم فقه برای فهم درست روح دین و تطبیق روایات با قرآن می‌باشد (۹). به‌عنوان مثال ائمه (ع) در خصوص یکی از راه‌های تشخیص حدیث صحیح از ناصحیح فرمودند: «مَا وَافَقَ

این حکم فقهی نیست تا خوردن گوشت شتر ناقض وضو باشد؛ بلکه وضو در این روایت به معنای لغوی‌اش به کار رفته و آن شستن دست می‌باشد (۳). پس این دستور پیامبر (ص)، امر ارشادی عادی یا بیان یک دستور بهداشتی به‌منظور حفظ سلامتی بوده است.

از طرف دیگر، آیا این حدیث که اهل سنت روایت نموده‌اند، از نظر سند درست است؟! یعنی اصل این سخن فرمان از خود پیامبر (ص) صادر شده است؟ و اگر صادر شده، قضیه زمان صدور سخن چه تأثیری بر اصل سخن داشته است؟! با توجه به استنباط‌های گفته شده از یک حدیث، مشخص می‌شود که به راحتی نمی‌توان به روایت «مَنْ أَكَلَ لَحْمَ جَزُورٍ فَلَيْتَوْضَأُ» بر وجوب وضو یا وجوب شستن دست به دلیل بهداشت و یا مانند آن استفاده نمود. به این ترتیب در مراجعه به منابع اسلامی آسیب‌هایی وجود دارد که مراجعه‌کنندگان غیرمتخصص در جریان آن قرار ندارند. این آسیب‌ها در چند موضوع: سند منبع، دلالت آن آیه و روایت، خطاب و مخاطب آن، مقام بیان و مفهوم‌شناسی در اصطلاحات طبی مورد بررسی قرار گرفته است:

### ۲- سند احادیث

با توجه به اینکه در روایات فقهی و حکمی برای رسیدن به حقیقت، هیچ مرجعی جز همین روایات در دسترس نیست؛ دقت زیادی در سند این روایات می‌شود. هر روایت براساس سند، به اقسام مختلفی از قبیل: صحیح، حسن، موثق، ضعیف، مسند، مرسل، معنعن، مرفوع، واحد، متواتر، مستفیض، شاذ، مقطوع و غیره تقسیم می‌شود و در صورت مقایسه یک روایت با دیگر روایات به اقسام دیگری مانند: عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، ظاهر و باطن و غیره تقسیم می‌گردد (۴). این در حالی



احادیثی که امام براساس آنچه از طبع سؤال کننده فرموده و از آن محدوده قابل تعدی نیست؛ چرا که امام طبع او را می‌شناخته است. احادیثی که مخالفان اهل بیت در کتب ما وارد کرده‌اند، تا صورت مذهب اهل بیت را نزد مردم زشت گردانند.

روایاتی که وهم و سهوی از طرف ناقل در آن‌ها وارد شده است.

روایاتی که قسمتی حفظ شده یا بخشی از آن ضایع شده و از میان رفته است» (۱۳).

شیخ صدوق می‌افزاید: «اما آنچه درباره غسل نقل شده که شفای هر بیماری است، صحیح می‌باشد و بدین معنی است که غسل، بر هر نوع بیماری که از طبع سرد برخیزد، شفا می‌باشد. آنچه درباره باندجان و شفای ناشی از آن گفته شده، این هم برای زمان رسیدن خرما و برای افرادی است که خرما می‌خورند، نه برای وقت‌های دیگر. پس طب صحیح امامان (ع)، همان آیات و سوره‌های قرآن و یا دعا‌هایی است که با سندهای قوی و روش‌های صحیح به ما رسیده باشند» (۱۴). بنابراین شناخت مخاطب از لحاظ فرد یا جمع بودن، در فهم محتوای حدیث طبی اهمیت دارد تا معلوم شود آیا مخاطب فرد خاص مراجعه کننده بوده یا مخصوص یک منطقه جغرافیایی خاص بوده یا عمومیت و کلیت دارد.

#### ۵- مقام بیان

گاهی امامان معصوم (ع) در مقام بیان یک موضوع هستند و به جنبه‌های دیگر مسائل آن فعلاً کاری ندارد؛ به‌عنوان مثال کسی از امام صادق (ع) پرسش می‌نماید که: «آیا بکارگیری دندان میت و کاشتن آن در دهان زنده جایز است؟» حضرت می‌فرماید: «اشکالی ندارد» (۱۴). حضرت در پاسخ به این سؤال، در مقام بیان جواز استفاده می‌باشد؛ اما در مقام بیان

کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه» (۱۰)؛ همان‌گونه که مشاهده شد، اکثر این علوم، غیر از علم رجال، برای دریافت دلالت حدیث و درایت روایت اجتناب‌ناپذیر است.

#### ۴- خطاب در احادیث

یکی از مسائل مورد توجه در روایات، مخاطب پیام معصوم و به اصطلاح «من خوطب به» است. در احکام شرعی با توجه به اشتراک در تکلیف بین مکلفین چه مخاطب فرد باشد یا جمع، فرقی نمی‌کند. اگر چه استثنائاتی وجود دارد، از این نمونه می‌توان دستور امام کاظم (ع) به علی بن یقطین، در وضو گرفتن به شکل خاص که مطابق با نظر اهل سنت بوده را نام برد (۱۱)؛ اما در احکام غیرشرعی مانند دستورات عملی و سفارش‌های پزشکی، خطاب و مخاطب چند دسته هستند.

۴-۱. **خطاب شخصی:** گاه هم مخاطب و لفظ خطاب به فرد است و گاهی مخاطب شخص بوده و مراد روایت به همان فرد؛ ولی لفظ خطاب جمع است.

#### ۴-۲. **خطاب جمعی با مخاطبان خاص:**

گاهی خطاب فردی یا جمعی است؛ اما مراد همه مخاطبان می‌باشد؛ مثلاً حضرت به آن مخاطبان که در مدینه هستند و غذایشان به‌طور عمده دارای طبیعت گرم است، می‌فرماید: «برنج بخورید که غذایی است خنک و از هر بیماری عاری می‌باشد» (۱۲).

شیخ صدوق که تبعید خاصی در عمل به اخبار و احادیث دارد، در این زمینه می‌گوید: «باور ما درباره احادیث طبی این است که باید به چند دسته تقسیم شود:

احادیثی که براساس هوای مکه و مدینه گفته شده و در هواهای دیگر استعمال آن‌ها جایز نیست.



به‌عنوان نمونه: «كلوا الثوم وتداووا به، فإن فيه شفاء من سبعين داء» (۱۹)؛ یعنی «ثوم» بخورید و خود را با آن مداوا نمایید که مایه شفا از ۷۰ بیماری است. «ثوم» گیاهی خوردنی با طعمی تند و سنگین و بویی نامناسب و زننده با خواص دارویی بسیار زیاد می‌باشد که در روایات از خوردن آن قبل از آمدن به مسجد نهی شده است؛ اما آیا آن همین «سیر» است که امروزه به این نام شناخته می‌شود؟! یا اینکه به اسم دیگری مثلاً: موسیر، رافه، تره فرنگی، نوعی والک و یا گیاه دیگری بوده که در مرور زمان منقرض شده و جای خود را به گیاه شبیه خود داده است. همچنین «قثاء» که به معنای خیار است؛ در چهل سال اخیر در کشور ما، شکل و طعم خیار دچار تغییرات و دگرگونی بسیاری شده، آیا می‌توان آنچه در روایات آمده است را حمل بر آنچه که امروز می‌شناسیم نمود؟! این شبیه در برخی از اصطلاحات دیگر

حدیث هم وجود دارد. برخی از افراد در طب سنتی استناد کرده‌اند به روایت حضرت امیرمؤمنان (ع): «فَإِنَّ السَّمَكَ يُسَلُّ الْجِسْمَ» (۲۰). صرف نظر از مباحث گذشته و اینکه در برخی نسخه‌ها «یشل الجسم» خوانده شده است؛ آیا «یُسَلُّ» به معنای سل است؟! و آیا «سل» در زمان امام علی (ع) همین معنای سل امروزه (بیماری عفونی واگیردار)، را داشته است؟! اگر احتمال تغییر پیش بیاید با توجه به اصل

و قاعده علمی و فقهی-حقوقی «إذا جاء الاحتمال، بطل الاستدلال» یعنی هرگاه احتمال دیگری باشد، استناد و استدلال باطل می‌شود، دیگر به‌طور قطع نمی‌توان به آن استناد نمود (۲۱).

### نتیجه گیری

با بررسی‌های صورت گرفته، روشن شد که مراجعه عالمانه به روایات و استناد به روایات

لزوم اذن از بستگان متوفی نیست. طبیعی است که اذن از فرد یا بازماندگانش مربوط به بخش دیگر می‌باشد.

گاهی بیان یک روایت از معصوم، به‌دنبال اصلاح اعتقاد کسی است. در این موارد، فقط باید از همان زاویه به روایت پرداخت. برای نمونه روایتی بیان می‌شود: هنگامی که امیر مومنان (ع) می‌فرماید: «گوشت بخورید!..» و یا «بر شما باد به خوردن گوشت!» (۱۵)، این گونه سخنان اگر چه ظاهرش حالت فرمان و امری دارد؛ اما در مقام اذن و اجازه به خوردن گوشت یا نهی از ترک خوردن گوشت بوده که در بین رهبانان و هندوها رواج داشته است و پیروان متمایل به زهد امیر مومنان، به آن تمایل داشتند (۱۶).

گاهی معصوم مطلبی را در مقام سفارش به کسی بیان می‌کند که اگر چه ظاهرش عمومیت و اطلاق است؛ اما جایگاه پاسخی آن باید در نظر گرفته شود؛ هنگامی که امیر مومنان می‌فرماید: «ایاکم و أکل السمک»، اگر چه کلمه «ایاکم» ظاهر در نهی و «تحدیر» می‌باشد و معنای آن «از خوردن ماهی، حذر کنید!» است؛ اما در ادامه دلیل آن آمده است: «فإن السمک یشل الجسم»؛ یعنی خوردن ماهی بدن را سست و بی‌حال می‌کند (۱۷). شاید این روایت در زمان و مکانی خاص همچون هنگام هوای شرجی و رطوبتی کوفه یا بصره و یا به مخاطبین خاص مانند: خطاب به لشکریان در هنگام آمادگی جنگی صادر شده باشد؛ بنابراین نمی‌توان به نهی آن استناد نمود؛ بلکه این روایت را باید در کنار روایات دیگری که معصومین فرموده‌اند: «علیکم بالسمک»؛ یعنی «بر شما باد به خوردن ماهی» قرار داد و معنا کرد (۱۸).

### ۶- تشخیص واژه یا مفهوم

یکی از مشکلات استناد در برخی از روایات طبی و پزشکی، بحث واژه‌ها و مفاهیم است.



### حمایت مالی

حمایت مالی ندارد.

### ملاحظات اخلاقی

کلیه موازین اخلاقی در انجام مطالعات لحاظ شده است.

### تضاد منافع

تضاد منافی وجود ندارد.

### تشکر و قدردانی

از همه افرادی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده اند تشکر و سپاسگزاری می شود.

### پیشنهادات

پیشنهاد می شود در بهره برداری از احادیث پزشکی از محققان علوم اسلامی استفاده شود.

طبی و تغذیه ای به صورت ویژه نیاز به رعایت اصول ذکرشده در مقاله و دارا بودن تخصص حدیث‌شناسی و تخصص‌های ۱۵ گانه مرتبط دارد. با احراز تخصص کامل، می‌توان به روایت طبی مراجعه و از آن‌ها استفاده نمود. البته براساس اصول مذهب اسلام تردیدی وجود ندارد که آنچه که از حضرات معصومین (ع) صادر شده، برای مخاطب ویژه آن حدیث، قطعاً راهگشا می‌باشد؛ زیرا معصوم کسی است که خطا، لغزش در گفتار و کردار او راه ندارد، به عمق حقیقت راه یافته و از آبشخور وحی سیراب شده است. با رویکرد روشمند میان‌رشته‌ای، بین صاحب‌نظران علوم پزشکی و علوم حوزوی، می‌توان امید داشت که احادیث معصومان (ع) در زمینه پزشکی راهکاری الهام‌بخش و گره‌گشا برای بسیاری از نیازهای پزشکی امروز باشد و روند رو به تکامل طب جامع و کل‌نگر بهبود بخشد و نقش دین در سلامت جامعه را گسترده‌تر و مؤثرتر نماید.

### References

- Shareef Qurashi B. The Life of Imam Al-Reza. 2th ed. Qom: Saeed Bin Jobeir Publisher; 2001. P. 218 (Persian).
- Ibn Mubarak A. Musnad of Ibn Mubarak. Beirut: Dar al Kotob Al-Ilmiyah Press; 1991. P. 6.
- Ibn Godamah A. Al-Mughni. Beirut: Dar al Kotob Al-Ilmiyah Press; 1983. P. 179.
- Sadough M. El Al-Sharaya. Qom: Davaree Library; 2001. P. 257.
- Shanechee M. Derayat alhadith. Qom: Jameaeh Mudarresin Publisher; 2006. P. 22-30. (Persian)
- Beyhaghee A. Al-Sunan al-Kubra. Beirut: Dar Al-Fikr; 2008, P. 8, 163.
- Rayshari MM. Mizan al-Hikmat. 1st ed. Qom: Dar al-Hadith; 2004.
- Rayshari MM. The collection of Medical Narratives. Qom: Dar al-Hadith; 2006. P. 2-9.
- Mudir Shanechi K. Derayat Al-Hadith. Qom: Association of Teacher of Qom Seminaries; 1996. P. 112 (Persian).
- Abu al-Fazl I. Al-Suyuti, Jalal al-Din, al-Itqan. Beirut: Alami Institute of Presses; 1995.
- Sadough M. Al-Amalee. Qom: Beasat Institute; 1997. P. 449.
- Al-Mufid M. Al-Irshad. Beirut: Research Institution of Aal-Albeit; 1993. P. 227.
- Barghei A. Sayed Jalal Al-Din Hosseini. Tehran: Dar Ul Kutob Al-Islamieh; 1992. P. 53.
- Majlisi A. Bahar Al-Anwar. 2th ed. Beirut: Vafa Institute; 1982. P. 59-76.
- Al-Hurr al-Amili M. Wasael ush-shia. Tehran: Islamic Library; 1983. P. 3, 303.
- Sadoughi ME. Uyun Akhbar Al-Reza, The source of traditions on Imam Reza (a.s.). Tehran: Jahan Publisher; 2008. P. 41.
- Mahmoodi M, Hajizadeh M, Shamsaddin Dayyani M. Vegetarianism in the teachings of great prophet (PBUH). Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences. 2007; 6(4):67-72 (Persian).
- Hemyari Qomi A. Ghorb Al Isnad, Al Albab Institute. 1st ed. Tehran: Al Ulbeit Institute; 1992. P. 107.

19. Majlisi A. Bahar Al-Anwar. 2th ed. Beirut: Vafa Institute; 1982. P. 67, 207.
20. Tabarsi H. Makarem Al-Akhlagh. Qom: Sharif Razi; 1991. P. 138.
21. Alinejad M. Whether fish is a healthy food? Shiite Medicine. Available at: URL: [www/aliamnegadweblog](http://www/aliamnegadweblog.com); 2012.
22. Martyred Z. Al-Rozat Al-Bahish. Qom: Davaree; 1990. P. 383.